



The Educational Role of Divine Traditions in Surah Ankabut*



Baqir Riahi Mehr ^۱

Hussein Sepehri Fard ^۲

Abstract

One of the most important educational methods mentioned in the verses of the Holy Quran for human education and excellence is “divine traditions”. The divine tradition is a fixed, unchanging, inclusive, comprehensive and permanent divine method. Divine traditions are awakening and motivational and assist a person to do good and avoid evil. The correct understanding of the divine traditions makes the members of the Islamic society and, consequently, the society as a whole, distinguish the right path from the wrong path and achieve its lofty goal in the school of Islam, which is the exaltation of mankind. Therefore, the current research deals with the topic of the “educational role of divine traditions in Surah Ankabut” with a descriptive-analytical method and by collecting information using a library method and content analysis. The results of the research indicate that Surah Ankabut is among the surahs expressing divine traditions. In this sura, God the Almighty mentions some divine traditions such as the tradition of divine punishment for the wicked (the people of Shoaib, the people of Aa'd and Thamud, Qarun and Pharaoh) and also the tradition of saving nations after trials and tribulations. The traditions of God's coercion and mercy, which are stated in Surah Ankabut, play an important educational role for the audience of the Holy Quran, in such a way that by remembering and reminding these divine traditions, mankind refuses to continue in wrong and sinful ways and is liberated. From the path of sinners, s/he chooses the path of righteousness and final perfection and evangelizes God's merciful traditions, like the tradition of saving nations after trials and tribulations, which also causes encouragement and hope for people to endure hardships. In other words, the accurate knowledge of these divine traditions in Surah Ankabut can assist the individual of the Islamic society in the path of education and excellence, and by knowing the causes of the tradition of punishment, refrain from its causes and provide the means of excellence for the Islamic society.

Keywords: Divine Traditions, Education, Surah Ankabut, Tradition of Punishment, Tradition of Salvation

*. **Date of receiving:** April ۲۷, ۲۰۲۲, **Date of approval:** November ۲, ۲۰۲۲.

^۱. Ph.D., Assistant Professor, Al-Mustafa International University; (Corresponding Author) (dr.riahi@chmail.ir).

^۲. MPhil Scholar of Theology, Qom University, Iran; (sepehrifard.hosein@gmail.com).



نقش تربیتی سنت‌های الهی در سوره عنکبوت *

باقر ریاحی مهر^۱ حسین سپهری فرد^۲



چکیده

یکی از مهمترین روش‌های تربیتی که در آیات قرآن کریم برای تربیت و تعالی بشر بیان گردیده، «سنت‌های الهی» است. سنت الهی، روشی ثابت، بدون تغییر، شامل، فراگیر و دایم الهی است. سنت‌های الهی، بیدارکننده و حرکت‌آفرین است و آدمی را بر اقامه خیر و دوری از سیئات یاری می‌رساند. شناخت صحیح سنت‌های الهی موجب می‌شود افراد جامعه اسلامی و بالتبع کلیت جامعه، راه صلاح و راستی را از راه ناصواب تشخیص داده و به هدف والای خود در مکتب اسلام که همانا تعالی بشر است نائل آید. از این رو، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل محتوایی، به موضوع «نقش تربیتی سنت‌های الهی در سوره عنکبوت» می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، از جمله سوره‌های بیانگر سنت‌های الهی، سوره عنکبوت است. خداوند متعال در این سوره به برخی از سنت‌های الهی همچون سنت عذاب الهی برای ستمکاران (قوم شعیب، قوم عاد و ثمود، قارون و فرعون) و همچنین سنت نجات امت‌ها پس از امتحان و ابتلاء را بیان می‌کند. سنن قهریه و رحمانیه الهی که در سوره عنکبوت بیان گردیده، نقش تربیتی مهمی را برای مخاطبان قرآن کریم ایفا می‌کند، به نحوی که انسان با یادآوری و تذکره این سنن الهی، از قرار گرفتن و استمرار بر طریق ناصواب و گناه امتناع ورزیده و با رهایی از مسیر گناهکاران، راه صواب و کمال نهایی را برمی‌گزیند و بشارت سنن رحمانیه الهی همچون سنت نجات امت‌ها پس از امتحان و ابتلاء نیز موجبات تشویق، ترغیب و امیدواری انسان بر تحمل سختی‌ها و شدائد می‌گردد. به دیگر سخن شناخت دقیق این سنت‌های الهی در سوره عنکبوت می‌تواند فرد جامعه اسلامی را در مسیر تربیت و تعالی یاری رساند، و با شناخت علل فراگیری سنت عذاب، از علل آن خودداری ورزید و موجبات تعالی را برای جامعه اسلامی فراهم کرد.

واژگان کلیدی: سنت‌های الهی، تربیت، سوره عنکبوت، سنت عذاب، سنت نجات.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱.

۱. استادیار، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمية، قم ایران، (نویسنده مسئول): (dr.riahi@chmail.ir).

۲. دانشجوی ارشد الهیات، دانشگاه قم، ایران: (sepehrifard.hosein@gmail.com).

۱. طرح مسئله

بر طبق آموزه‌های اسلامی، جهان آفرینش بر پایه نظام احسن شکل گرفته و بر پایه سنن و قوانین ثابت و تغییرناپذیر استوار شده است. این سنن الهی بر تمامی فعل و انفعالات و تغییر و تحولات عالم طبیعت غالب بوده و هیچ‌گونه رویداد و اتفاقی خارج از چارچوب این قواعد رخ نمی‌دهد. از این‌رو اندیشمندان مسلمان درصدد کشف و شناخت این دسته از سنن الهی در منابع اسلامی و بالاخص قرآن کریم برآمده‌اند تا با شناخت این قانونمندی‌ها و مجموعه سنن الهی در قرآن کریم، جامعه اسلامی بتواند از وقوع برخی از سنن قهریه الهی خودداری کرده و یا رخ دادن سنن رحمانیه خداوند را تسریع کند و در واقع بتواند برای تعالی و سعادت و جلوگیری از تباهی، در مسیر سنن الهی حرکت کند. به عبارت دیگر اهمیت پرداختن به این مسئله در آنجاست که یک جامعه اسلامی برای رسیدن به خاستگاه و جایگاه اصلی خود، بایستی با سنن الهی که خداوند متعال در عالم قرار داده، آشنا باشد و از سنن بیدارکننده و حرکت‌آفرین استمداد جویند. با توجه به اهمیت این مطلب، از جمله سور قرآنی که جمعی از سنن قهریه و رحمانیه را توأمان در خود جای داده است، سوره عنکبوت است، لذا نگارنده این سوره قرآنی را برای پرداختن به سنن تربیتی الهی انتخاب کرده که هم جنبه قهری و هم رحمانی را دربر گرفته است.

با تتبع و تدقیق در آثار اندیشمندان مسلمان، پژوهش‌های گوناگون و مختلفی پیرامون «سنت‌های الهی» یافت می‌شود که از آن جمله می‌توان به برخی از موارد به شرح ذیل اشاره کرد:

- شهید صدر، (۱۳۹۹)، کتاب «سنت‌های تاریخی در قرآن»؛ مصباح یزدی، (۱۳۹۱)، کتاب «جامعه و تاریخ»؛ صدرآبادی، (۱۳۸۵)، پایان‌نامه «سنت‌های الهی در قرآن کریم»؛ حلاجیان اصفهانی، (۱۳۹۰)، پایان‌نامه «سنت‌های الهی در قرآن کریم با محوریت انبیاء»؛ سعادت‌نیا، (۱۳۸۰)، مقاله «چشم‌اندازی به سنن الهی در قصص قرآن»؛ خلیفه، قدرت‌الله و مرعشی، منصور، (۱۳۹۴) مقاله «مبانی، اصول و روش‌های تربیت عقلانی از منظر قرآن و روایات»؛ جراحی‌دریان، مهدی، و همکاران (۱۳۹۳) مقاله «مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن».

آثار تحقیقاتی مذکور به بحث و بررسی کلی «سنت‌های الهی» پرداخته‌اند، ولی پژوهشی مستقل در باب نقش تربیتی سنت‌های الهی در سوره عنکبوت صورت‌نپذیرفته است، و اهمیت پرداخت به این مسئله و کنکاش پیرامون سنت‌های الهی در سوره عنکبوت که اساس و پایه روش‌های تربیتی را می‌سازد، نگارنده را بر آن داشت تا در این مقاله، به نقش تربیتی سنت‌های الهی در سوره عنکبوت بپردازد و آن را مورد مذاقه قرار دهد.

از جمله سؤالاتی که مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به آن است آن است که کدام سنن الهی در سوره عنکبوت ذکر گردیده است؟ نقش تربیتی سنت‌های الهی در سوره عنکبوت چیست؟ در این راستا مقاله حاضر، ابتدا به تعریف لغوی و اصطلاحی تربیت و سنن الهی پرداخته و در ادامه، به مهمترین سنن الهی مأخوذ از سوره عنکبوت می‌پردازد و نقش تربیتی آن را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

۲. تربیت در لغت و اصطلاح



«تربیت» واژه‌ای عربی است که از دو ریشه «رَبَّ» و «رَبَو» است و به معنای: اصلاح، سرپرستی، حضانت، تکمیل، سوق دادن شیء به سمت کمال، تغذیه نمودن، رشد و نمو، تهذیب و هم چنین تأدیب بیان شده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۲/۱۴۴۳؛ طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۱۶: ۲/۶۱). برخی نیز آن را به معنای فزونی، رشد و زیاد کردن معنا کرده‌اند (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۴۱۹؛ فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۱/۶۴۹).

اندیشمندان مسلمان، برگرفته از معنای لغوی، تعاریف مختلفی را برای معنای اصطلاحی تربیت ارائه داده‌اند که برخی از آنها در ذیل اشاره می‌گردد:

- ملاصدرا: «تربیت یعنی پرورش نفس انسان به صورت تدریجی، از نقص و به سوی کمال و از مرحله عقل هیولانی تا عقل فعال» (صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۶۶: ۵/۶۵).

- ابن مسکویه: «تربیت یعنی عادت دادن کودک [طفل] به مسائل شرعی، تا وقتی که آن را به عنوان سیره عملی بپذیرد و از طریق آموزش و تمرین فضایل اخلاقی، به خیر نهایی راه یابد» (ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق فی التریبة، ۱۴۲۶: ۱۷).

- سید قطب: «تربیت یعنی فرآیند هماهنگ نمودن ابعاد مختلفه انسان و به کمال رساندن موزون آن ابعاد، از راه اجرای فرامین منطبق با فطرت دین اسلام در تمامی مراحل و زمینه‌های زندگی» (قطب، فی ضلال القرآن، ۱۴۲۲: ۱۷/۱).

با تدقیق در تعاریف اصطلاحی فوق می‌توان چند نکته را استخراج کرد:

الف. تربیت در اسلام، جامع بوده و رشد تمامی ابعاد انسان را ممکن می‌سازد.

ب. تربیت اسلامی، بر مبنای تعالیم و حیانی و سنت معصومین (ع) است که انسان را به مسیر کمال می‌رساند.

ج. در تربیت اسلامی، علاوه بر اهداف مادی، سعادت اخروی نیز مدنظر است و هدف اصلی نیز همان سعادت اخروی است.

ازاین‌رو با توجه به تعاریف و نکات مذکور می‌توان تربیت اسلامی را این چنین تعریف کرد: تربیت اسلامی عبارت است از حرکت دادن استعدادها و توانایی‌های بالقوه انسان به سوی فعلیت، تحت دستورات اصیل اسلامی به نحوی که موجبات رسیدن به سعادت دنیا و آخرت را فراهم می‌سازد.

۳. سنت‌های الهی

اندیشمندان لغت، واژه سنت را به معنای «حکم، شیوه و راه و رسم» تعریف کرده‌اند (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۱/۳۱۳؛ آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی و فارسی، ۱۳۸۲: ۳۰۳) و در اصطلاح به دو معنا کلی به کار می‌رود:

۱- سیره رفتاری مستمر که در اصطلاح اسلامی، به فعل و تقریرات حضرات معصومین (ع) انتساب داده شده است.

۲- مجموعه قوانین الهی که موجبات اداره و تنظیم جهان هستی را برعهده دارد (مصباح‌یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ۱۳۶۸: ۴۲۶).

در مجموع می‌توان گفت منظور از «سنت الهی»، مجموعه قوانین تغییرناپذیری است که خداوند متعال در عالم خلقت وضع کرده که به صورت‌های علت و معلول، اسباب و مسبب با همدیگر در ارتباط هستند و هدف از وضع این دسته از قوانین، رهنمون ساختن بشر به سوی قله کمال و هدایت است. از این رو علامه طباطبایی در این خصوص می‌نویسد: «هدف خداوند متعال [اسلام] از وضع «سنن» آن است که جهان هستی به سمت خیر متعالی خود حرکت کند» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۲۳۹/۴).

علامه مصباح‌یزدی نکته‌ای را در خصوص «سنن الهی» بیان می‌کنند که مجموعه «سنن الهی» آنطور نیست که حتماً بلاواسطه از ناحیه پروردگار متعال صادر گردد؛ بلکه ممکن است همچون سایر امور جهان هستی، از طریق اسباب طبیعی و فوق طبیعی (و منتسب به خداوند) جاری و ساری گردد (مصباح‌یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ۱۳۶۸: ۴۲۶).

۴. بررسی مهم‌ترین سنت‌های الهی در سوره عنکبوت

در سوره عنکبوت، برخی از سنن الهی همچون «سنت امتحان»، «سنت عذاب» و «سنت نجات امت‌ها» بیان گردیده که در ذیل ضمن بیان آیات و تفاسیر مربوطه به تحلیل و تبیین این دسته از سنن الهی خواهیم پرداخت:

الف. سنت امتحان امت‌های گذشته

از مجموعه سنن قطعیه الهی که در سوره عنکبوت بدان اشاره گردیده، «سنت امتحان» الهی است که بر امت‌های گذشته وارد گردیده و در سوره عنکبوت در آیات ۲ و ۳ بدان اشاره گردیده است. سنت امتحان الهی همواره در طول تاریخ برقرار بوده است و در آیات قرآن کریم، از «امتحان و آزمایش» به عنوان هدف خلقت یاد گردیده است (هود/۷). سنت امتحان، مسئله‌ای است که با مسئله تربیت بشر ارتباط تنگاتنگی دارد، و از آنجایی که انسان از خیر و شر، خوشی و ناخوشی و به‌طور کلی لذت و آلام، بسیار متأثر می‌گردد و در تربیت او مؤثر است، از این رو سنت امتحان الهی در تمامی این موارد جاری است. به دیگر سخن می‌توان گفت آنچه در سنت «امتحان» الهی بشر را در مسیر تربیت قرار می‌دهد، امتحانات الهی در زمینه‌های مختلف انفس، ثروت، فرزند، فقر، گرسنگی، تشنگی، ترس و سایر آلام و اتفاقات ناگوار است و این مسئله همچون سایر سنن الهی همواره در بستر تاریخ و برای تمامی امت‌ها و جوامع مختلف بشری رخ داده و خواهد داد. از این‌روست که خداوند متعال در آیه ۲ سوره عنکبوت می‌فرماید:

«أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (العنکبوت/۲)؛ «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟!»

علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور، ایمان واقعی را از مسیر عبور از فتنه‌ها و آزمایشات الهی می‌داند، به نحوی که خداوند متعال هدف از ایمان آوردن بشر را تنها ایمان لسانی نمی‌داند؛ بلکه ایمانی واقعی است که از



مسیر تندبادهای آزمایشات و حوادث روزگار عبور کند و ریشه‌دارتر و عمیق‌تر گردد و این ایمان واقعی است (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۴۵).

در آیه دیگری از سوره عنکبوت، خداوند متعال یکی دیگر از اغراض سنت امتحان الهی را، معیار صدق و کذب ادعای ایمان بیان می‌فرماید:

«وَلَقَدْ فْتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (العنکبوت/۳)؛ «ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می‌کنیم)؛ باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد!»

مفهوم آیه ۳ سوره عنکبوت آن است که هدف از «سنت امتحان الهی» آن است که انسان بداند که در مسیر ایمان، سنگلاخ‌ها و امتحانات بسیاری است که انسان‌ها تنها تصور نکنند که با اقرار لسانی می‌توانند خویشتن را در زمره مؤمنان قرار دهند؛ بلکه خداوند متعال آنان را از مسیر امتحانات الهی عبور می‌دهد تا صدق ایمانشان مشخص گردد و آنچه احیاناً از ضعف قلب و بیماری دل، در نهان دارند آشکار کنند و از طریق آزمایشات الهی، مؤمن واقعی از منافق و مشرک مشخص گردد، فلذاست که خداوند متعال می‌فرماید: «فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۴۵).

آیت الله جوادی آملی در مورد اهمیت و لزوم «سنت امتحان الهی» برای تربیت بشر، قائل بر این نظر است که امتحانات الهی، استعدادهای بالقوه انسان را به مرحله فعلیت می‌رساند و البته آزمون‌های الهی به لحاظ استعدادها و ظرفیت کمال آدمی متفاوت است. از طریق امتحانات الهی، صابران در آزمون «سختی و کمبود»، و شاکران در آزمون «رفاه و آسایش» مورد امتحان قرار می‌گیرند. تأکید خداوند در آیات مربوط به سنت امتحان الهی، این مهم را می‌رساند که هیچ فرد و جامعه‌ای، مفزّی از «امتحان الهی» ندارد و تمامی آحاد بشر در مسیر تربیت از این راه عبور داده می‌شوند (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۸: ۷/۶۳۲).

شهید مطهری مهمترین نکته در سنت امتحان الهی را «تعالی و رشد» آدمی بیان می‌کند؛ زیرا از نظر ایشان، استعدادها و ظرفیت‌های گوناگون بشر در راحتی و رفاه به فعلیت نمی‌رسند و به تعبیر زیبای ایشان: زشتی‌ها، مقدمه ایجاد زیبایی‌ها هستند (مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ۱۳۷۹: ۱/۱۷۴). از این رو برای رساندن بشر به رشد و تعالی، خداوند او را در بستر رنج و سختی قرار داده است به نحوی که قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد/۴)؛ که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنج‌هاست)!

شهید مطهری، رابطه بین آزمایش الهی و رشد انسان را متأثر از خصوصیت ویژه آدمی بیان می‌کند به نحوی که انسان برخلاف جمادات که از طریق ضربه و آسیب، دچار اضمحلال و نابودی قرار می‌گیرند؛ اما آدمی خصوصیتی دارد که سختی‌ها و شدائد او را در مسیر رشد و پیشرفت قرار می‌دهد، در واقع سختی‌ها، آدمی را تحریک کرده و او را برای مواجهه با سختی‌های مشابه آینده، قدرتمندتر می‌سازد (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ۱۳۷۹: ۱/۱۷۶)، از این روست که عبور از مصیبت و شدائد و سختی‌ها، لازمه تکامل و رشد بشر است و خداوند از طریق سنت «امتحان الهی» او را در این مسیر قرار می‌دهد.

در روایتی از محمد بن فضیل از امام موسی کاظم (ع) آمده است که: «عباس نزد امام علی (ع) آمد و گفت: جلو بیا تا مردم بتوانند با شما بیعت کنند، حضرت (ع) فرمودند: آیا مردم را عامل به این امر می‌پنداری؟ گفت: آری. امام فرمودند: پس بیان خداوند متعال چه می‌شود که می‌فرمایند: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (عنکبوت/ ۲-۳)؛ یعنی [مردم] را در بوته آزمایش و امتحان الهی قرار دادیم «فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (مجلسی، بحارالانوار، ۲۲: ۱۴۰۳: ۲۸۹؛ نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۰).

در روایت دیگری نیز از امام کاظم (ع) نیز چنین آمده است: «عده‌ای از اصحاب، از احمد بن محمد، از معمر بن خلاد چنین روایت کرده‌اند که گفت: من از ابالحسن (ع) شنیدم که ایشان می‌فرمودند: «الْم أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» و کلمه بالله را اضافه می‌کرد، و به من فرمود: آیا می‌دانی منظور از فتنه چیست؟ عرض کردم: منظور از فتنه، فتنه در دین است. حضرت (ع) فرمودند: [مردم] آن گونه مورد آزمایش الهی قرار می‌گیرند که طلا مورد محک قرار می‌گیرد و سپس فرمودند: خالص می‌گردند همانطور که طلا خالص می‌شود» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۷۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۵، ج ۵، ص ۲۱۹؛ حویزی، نور الثقلین، ۱۳۷۰: ۴/ ۱۴۸).

با توجه به مطالب فوق‌الذکر و بیان آیات و روایات مطروحه می‌توان گفت سنت امتحان الهی که در آیات ۲ و ۳ سوره عنکبوت بیان گردیده، نقش بسیار مهمی را در تربیت بشر ایفا می‌کند و موجب می‌گردد که مؤمن واقعی از کافر و منافق مشخص گردد و میزان صدق و کذب او عیان شود و در واقع به دلیل خصوصیت ویژه انسان که رشد او از مسیر سختی‌ها و شدائد می‌گذرد، این سنت الهی موجبات کمال و تعالی بشر را فراهم می‌سازد.

ب. سنت عذاب الهی برای ستمکاران و عبرت آیندگان

از دیگر سنت‌های الهی که در سوره عنکبوت بدان گردیده و خداوند متعال در مورد سرنوشت برخی از امت‌های گذشته همچون «قوم شعیب، عاد و ثمود، فرعون و قارون» بیان فرموده است، سنت «عذاب الهی» است که پس از فراهم کردن بستر آزمایش الهی و قرار دادن آنان در بوته آزمون الهی، اقوامی را که اصرار و پافشاری آگاهانه بر ظلم و ستم نموده‌اند را مورد عذاب خود قرار می‌دهد و آنها را هلاک می‌نماید که بیان سرگذشت این دسته از اقوام و جاری شدن سنت عذاب الهی بر آنان، نقش بسیار مهمی بر تربیت بشر دارد که در ذیل ضمن پرداختن به آیاتی از سوره عنکبوت که سنت عذاب الهی در آن بیان گردیده به شرح و تفصیل این سنت الهی خواهیم پرداخت.

یک. سنت عذاب الهی در فرجام قوم شعیب

نام حضرت شعیب (ع) یازده بار در قرآن کریم بکار رفته است (طبری، تاریخ الطبری ۱۳۸۷ق: ۲/ ۲۴۱). خداوند حضرت شعیب (ع) را به سمت مردم مدین و آیکه جهت هدایتشان به یکتاپرستی و توحید فرستاد تا



آنان از فساد و بت‌پرستی تحذیر نمایند. حضرت شعیب (ع) طبق اقوال تاریخی، از فرزندان گروهی بودند که در ماجرای تبدیل آتش نمرود به گلستان برای حضرت ابراهیم (ع) به ایشان ایمان آوردند و به همراه ابراهیم (ع) به سمت شام هجرت کردند و طول عمر ایشان ۲۴۲ سال بوده است (طبری، تاریخ الطبری ۱۳۸۷ق: ۲/ ۲۴۱). قوم شعیب که در مدین و آیکه زندگی می‌کردند، دچار برخی انحطاطهای اخلاقی همچون بت‌پرستی و کم‌فروشی در معاملات خود بودند (بلاذری، انساب الأشراف، ۱۴۱۷: ۱/ ۱۹۲) از این‌رو خداوند متعال، حضرت شعیب (ع) را برای نجات و هدایت آنان به راه درست مبعوث فرمود:

«وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُنْسِدِينَ» (العنکبوت/۳۶)

«و ما بسوی «مدین»، برادرشان «شعیب» را فرستادیم؛ گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، و به روز بازپسین امیدوار باشید، و در زمین فساد نکنید!»

سید قطب، نظریه‌پرداز و مفسر برجسته مصری در تفسیر آیه مذکور برخی از خصوصیات قوم شعیب را بیان می‌کند و می‌نویسد: «اهل مدین، در معاملات خود کم‌فروشی می‌کردند که این کار بسیار قبیحی بود، اما آنان این کار را به حساب زرنگی و زیرکی خود می‌دانستند» (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۳۱۸)

بزرگترین رذیله اخلاقی قوم شعیب آن بود که در پیمانه‌ها کم می‌کردند و به عبارت امروزی کم‌فروشی می‌نمودند و این مسئله و عیب بزرگ که باعث می‌شود امنیت اجتماعی و اقتصادی از جامعه رخت بر بندد را مرتکب می‌شدند و لذا حضرت شعیب (ع) به دستور الهی، آنان را از این کار برحذر می‌داشت (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۸: ۷/ ۹۰)

البته به بیان روایتی از پیامبر اکرم (ص) (عروسی حویزی، ۱۳۷۰: ۲/ ۳۹۲)، حضرت شعیب (ع) که در خطابه و سخنرانی مهارت فوق‌العاده‌ای داشت، با خطابه‌های حکیمانه و مهربانانه مردمش را به سوی خداوند و ترک رذایل اخلاقی دعوت می‌کرد؛ اما قوم شعیب، در مقابل به‌جای آنکه دعوت هدایت را اجابت کنند، حضرت (ع) را مورد تمسخر قرار می‌دادند و به او لقب سفیه و جاهل می‌دادند: «إِنَّكَ لَا تَنْتَ السَّفِيهِ الْجَاهِلُ»، «تو قطعاً کم عقل و نادان هستی». (همان: ۲/ ۳۹۳) در مقابل دعوت‌های شعیب (ع) تنها گروه بسیار کمی به او ایمان آوردند و غالب مردم مدین و آیکه او را تکذیب کردند.

در روایتی از امام باقر (ع)، عدم امر به معروف نیکان امت شعیب نیز مورد سرزنش قرار گرفته است که در مقابل بدی و گناهان و رذایل اخلاقی مردم سکوت می‌کردند و از این‌رو حضرت می‌فرمایند: «خداوند به شعیب (ع) فرمود که صد هزار نفر از قومت را عذاب خواهم کرد، شصت هزار از نیکان و چهل هزار نفر از بدان امت را. شعیب (ع) به خداوند عرض کرد: «خداوند! بدان امت به عذابت سزاوار هستند اما چرا نیکان از امتم را نیز می‌خواهی عذاب نمایی؟ خداوند در جواب شعیب (ع) فرمود: «دَاهُنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَغْضَبُوا لِعَظْمِي»، از این‌رو که با اهالی گناه سازش نمودند و به خاطر خشم من نسبت به آنان و گناهانشان، به آنها خشم نکردند و امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵/ ۵۶)

خداوند متعال در آیه ۳۷ سوره عنکبوت، سرنوشت قوم شعیب و دچار شدن آنان به سنت عذاب الهی را چنین بیان می‌فرماید:

«فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ» (العنکبوت/۳۷)؛ «(ولی) آنها او را تکذیب کردند، و به این سبب زلزله آنان را فراگرفت، و بامدادان در خانه‌های خود به رو در افتاده و مرده بودند!»

علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور، سنت عذاب الهی را بیان می‌کند که قوم شعیب پس از تکذیب پیامبر الهی و دعوت به حق، دچار عذاب الهی و زلزله بسیار سختی شدند که در آیه مذکور با تعبیر «رجفة» به معنای لرزش بسیار سخت (راغب اصفهانی، المفردات، ۱۴۱۲، ماده رجف) آمده است که همچنان در جای خود بودند و توانایی حرکت پیدا نکردند «جاثمین» مردند و دیگر از جای خودشان حرکت نکردند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۸۷).

با توجه به مطالب فوق‌الذکر و بیان آیات ۳۶ و ۳۷ سوره عنکبوت می‌توان گفت که خداوند متعال برای هدایت بشر، ستمگران از امت‌های گذشته را مورد «عذاب» و «هلاکت» قرار داده است تا اقوام بعدی با خواندن سرنوشت آنان در قرآن کریم به این سنت اطلاع یابند و بدانند که استمرار بر تباهی و گناه و حتی همراهی با گناهکاران، خشم و در نتیجه سنت عذاب الهی را به دنبال دارد و این سنت الهی، با قدرت بازدارندگی و پیشگیری به موجب ترس و واهمه از دچار شدن به این سنت الهی، بشر را از استمرار در قرار گرفتن در مسیر اشتباه باز می‌دارد.

دو. سنت عذاب الهی در فرجام قوم عاد و ثمود

نام قوم عاد، ۲۴ مرتبه در قرآن کریم بیان شده است که نام قوم حضرت هود (ع) است و محل سکونت آنان در سرزمین احقاف، واقع بین عمان و یمن بوده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۶۱؛ طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۱۰/۴۵۶؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۶: ۱۸/۱۸). قوم عاد عرب و از فرزندان سام بن نوح بودند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳۱/۱۵۲). ایشان مردمانی با قامت‌های بسیار بلند و قدرت بدنی بالا بوده‌اند (جزایری، النور المبین فی قصص الانبیاء والمرسلین، ۱۳۸۶: ۱۳۵)، به نحوی که به دلیل این خصوصیت ویژه، ساختمان‌های محکم و بسیار بلندی را برای سکونت می‌ساختند و از لحاظ آبادانی نیز در سرزمینی حاصل خیز و آباد قرار داشته‌اند و به عبارت مفسران قومی متمدن و پیشرفته بوده‌اند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۰/۴۵۶؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۶/۴۵۲؛ قمی، تفسیر قمی، ۱۴۱۴: ۱/۳۲۹). قوم عاد علی‌رغم برخورداری از استعداد های مادی بسیار مناسب، دچار رذایل اخلاقی فراوان از جمله بت‌پرستی، شرک، انکار آیات الهی، اطاعت از مستکبران و نافرمانی از انبیاء بودند (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۱۰/۴۵۷؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۶، ج ۲۳، ص: ۱۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۶/۲۳۲-۲۲۶).

خداوند متعال در آیه ۳۸ سوره عنکبوت، در کنار نام بردن از قوم عاد و دچار شدن آنان به سنت عذاب الهی، از قوم ثمود نیز نام می‌برد:



«وَعَادًا وَثُمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ» (العنکبوت/۳۸)؛ «ما طایفه «عاد» و «ثمود» را نیز (هلاک کردیم)، و مساکن (ویران شده) آنان برای شما آشکار است؛ شیطان اعمالشان را برای آنان آراسته بود، ازاین‌رو آنان را از راه (خدا) بازداشت در حالی که بینا بودند.»

قوم ثمود از دیگر امت‌هایی است که طبق آیات قرآن کریم و آیه ۳۸ سوره عنکبوت، به سنت عذاب الهی دچار گردیدند. از قوم ثمود ۲۶ بار در آیات قرآن کریم نام برده شده است. لغت ثمود، از ریشه «ثمد» گرفته شده است و «ثمد» به هر چیز اندک می‌گویند (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۱/۳۸۸-۳۸۷).

در سوره اعراف، قوم ثمود، به‌عنوان جانشین قوم عاد معرفی شده است (اعراف/۷۴)؛ که پس از ۵۰۰ سال بعد از قوم عاد زیست می‌کرده‌اند (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۱۰: ۱/۲۲۵؛ زغلول سعد، فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۱۴۱۰: ۱۱۳). قوم ثمود نیز همچون قوم عاد عرب زبان بوده‌اند و همچون قوم عاد در بناهای بسیار مستحکم که از سنگ ساخته شده بود زندگی می‌کردند (فجر/۹) و در مجاورت وادی القری بین مکه و شام، سکونت داشته‌اند. قوم ثمود همچون قوم عاد علی‌رغم برخورداری از امکانات مادی و دنیوی بسیار مناسب، در سراسیمگی سقوط اخلاقی قرار داشتند و به بت‌پرستی و فساد رو آورده بودند. ایشان هفتاد بت عظیم و چند بت‌خانه داشتند (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۸، ۱۸۵). از جمله بت‌های بزرگ قوم ثمود که معروف بودند «لات، عزی، منوت، هُبَل و قیس» بود که بسیار آنها را تقدیس می‌کردند (طبری، تاریخ طبری، ۱۴۰۸: ۱/۲۲۸).

خداوند متعال برای هدایت این قوم، حضرت صالح (ع) را در شانزده سالگی مبعوث فرمود تا قوم ثمود را به توحید و دوری از رذایل اخلاقی فراخواند (اعراف/۷۳) صالح (ع) با دعوت کردن قومش به دوری از شرک و بت‌پرستی آنان را به توحید، یکتاپرستی دعوت می‌فرمود؛ اما قومش او را اطاعت نمی‌کردند و پیامبر الهی و دعوتش را تکذیب نمودند (قمر/۲۴). صالح (ع) قومش را از سنت عذاب الهی آگاه ساخت و آنان را انذار فرمود که تا فرانسیدن عذاب الهی، دست از بت‌پرستی و گناه بکشند و به آنان می‌فرمود: «طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۱/۳۷۱)؛ «فال بد و طالع شما در نزد خداوند متعال است، او است که شما را به خاطر اعمال بدتان، درگیر و گرفتار بدبختی و سختی کرده است»؛ اما قوم صالح، شتر صالح (ناقه) را که به درخواست خودشان برای معجزه و اثبات ادعای پیامبری صالح (ع) از جانب خداوند آمده بود، را کشتند (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۸/۱۸۷)؛ و بر اثر این نافرمانی و اصرار بر گناه و ستمکاری، سنت عذاب الهی بر آنان جاری گردید و بنابر برخی از اقوال تاریخی، در روز نخست عذاب، صورتشان زرد، در روز دوم سرخ، و در روز سوم صورتشان سیاه و کبود گردید (طبری، تاریخ طبری، ۱۴۰۸: ۱/۲۳۰) و تنها از میان قوم صالح (ع) گروه اندکی که به وی ایمان آورده بودند و از ستمکاری رویگردان شدند نجات یافتند و خداوند سرنوشت این قوم را در آیه ۴۰ سوره عنکبوت چنین بیان می‌فرماید:

«فَكَلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْظِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (العنکبوت/۴۰)؛ «ما هر یک از آنان را به

گناهانشان گرفتیم، بر بعضی از آنها طوفانی از سنگریزه فرستادیم و بعضی از آنان را صیحه آسمانی فروگرفت، و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم؛ خداوند هرگز به آنها ستم نکرد، ولی آنها خودشان بر خود ستم می کردند!

البته بر طبق تفاسیر مربوط به آیه ۴۰ سوره عنکبوت، سرنوشت اقوام و افراد دیگری همچون قارون و قوم نوح نیز بیان گردیده است:

- ۱- «وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ»، «بعضی از آنها را صیحه گرفت»، مربوط به قوم ثمود و شعیب است
- ۲- «وَمِنْهُمْ مَّنْ حَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ»، «و بعضی از آنها را در زمین فرو بردیم»، اشاره به داستان قارون است.
- ۳- «وَمِنْهُمْ مَّنْ أَعْرَفْنَا»، «بعضی ها کسانی بودند که غرقشان کردیم» و این هم قوم نوح را شامل است و هم قوم فرعون و هامان را (طباطبایی، المیزان، ۱۶: ۱۳۷۴/۱۸۹).

خداوند متعال نکته ویژه تربیتی را در انتهای آیه ۴۰ سوره عنکبوت چنین بیان می فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»، «خدا هرگز به آنان ظلم نکرد، و لیکن این خودشان بودند که به خود ظلم می کردند». خداوند با این تعبیر بیان می فرماید که سنت عذاب الهی از روی «ظلم» و ستمی بود که خود این اقوام و افراد ستمگر به خود کردند و عذاب الهی مساوی با ستم از ناحیه خداوند نیست؛ بلکه این سنت الهی است که قومی که پافشاری بر ظلم و عصیان داشتند و حتی پس از مبعوث شدن پیامبران الهی، از انذار آنان رویگردان بوده و دعوتشان را لیک نمی گفتند، سرانجام به علت ستمکاری و ظلم خود، دچار سنت عذاب الهی می شدند و خداوند با بیان ای سنت قهریه الهی در آیاتی از سوره عنکبوت، این مسئله تربیتی را برای بشر بیان می فرماید که آدمی بایستی در مسیر زندگی و حیات دنیوی متوجه این مهم باشد که او موجودی رها نیست؛ بلکه خداوند برای تربیت او، سنت عذاب الهی را قرار داده است تا بداند اگر در مسیر کج و انحراف اصرار ورزد، دچار قهر الهی و عذاب و هلاکت خواهد شد، بنابراین توجه به این مسئله می تواند نقش بسیار مهمی را در تزکیه و تربیت بشر ایفا نماید و به عنوان مسئله ای بازدارنده و پیش گیرنده عمل کند.

سه. سنت عذاب الهی در فرجام ستمگران قوم موسی (ع)

از دیگر کسانی که خداوند متعال آنان را دچار سنت عذاب الهی گردانید و در سوره عنکبوت بدان اشاره فرموده، قارون و فرعون است که در زمان پیامبری حضرت موسی (ع) زندگی می کرده اند. (یاقوت حموی، معجم البلدان، ۱۹۹۵م: ۱/ ۲۰۸). قارون بن یصهر از نزدیکان موسی (ع) است که در ابتدا از مؤمنین بود و مجهز به علوم مختلفه از جمله تجارت، کشاورزی و علم کیمیا بود (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۴۱۸: ۱/ ۴۲۱)، اما به مرور زمان به علت ضعف ایمان و غرور ناشی از کسب منافع دنیوی، به کفر و انحطاط اخلاقی گرایید. بر طبق نقل آیات قرآن کریم، قارون آنچنان ثروت داشت که حمل کلیدهایش بر عهده گروهی از نیروهای قدرتمند بود؛ اما دچار غرور شد و غرورش او را به نابودی کشانید.

«إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ» (قصص/ ۷۶).



موسی (ع) به دستور خداوند متعال از قارون طلب زکات مالش را می‌کند؛ اما قارون که به دارایی‌اش مغرور شده بود، از آن امتناع ورزید و حتی سعی در شورش و توطئه بر علیه موسی نبی (ع) را داشت و به ایشان تهمت زنا زد و حضرت (ع) در اثر این همه ستمگری و گمراهی و اصرار بر ظلم، از خداوند متعال طلب جاری شدن سنت عذاب الهی را می‌کند و خداوند نیز درخواست موسی (ع) را اجابت می‌فرماید و قارون را با تمام دارایی و ثروتش در زمین فرو می‌برد (مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ۱۴۰۹: ۱۲۸/۲).

خداوند متعال در آیه ۳۹ سوره عنکبوت، سرنوشت قارون و برخی دیگر از ستمگران قوم موسی (ع) را بیان می‌کند که در مقابل دعوت موسی نبی (ع)، او را تکذیب می‌کردند و بر گمراهی خود اصرار می‌ورزیدند: «وَقَارُونُ وَفِرْعَوْنُ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ» (عنکبوت/۳۹)؛ و «قارون» و «فرعون» و «هامان» را نیز هلاک کردیم. موسی با دلایل روشن به سراغشان آمد، اما آنان در زمین برتری جویی کردند، ولی نتوانستند بر خدا پیشی گیرند!

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۳۹ سوره عنکبوت، سنت عذاب الهی را ناشی از ظلم خود ستمگران بیان می‌کند، به نحوی که خود ظلم ستمگران باعث جاری شدن قانون لایتنیر الهی در عالم هستی می‌گردد و چون دار دنیا، دار امتحان و ابتلاء است، این سنت عذاب الهی نیز همواره برقرار است و هر کس که بر گمراهی خود اصرار ورزد و علی‌رغم ارائه بیته و شواهد یقینی از جانب خداوند، بر گمراهی خود و دیگران اصرار ورزد، به سنت عذاب الهی دچار می‌شود (ر.ک: طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۱۳۷/۱۶).

در روایتی از امام علی (ع) عذاب فرعون، قارون و هامان که از ستمگران قوم موسی (ع) بوده‌اند آنچنان سخت معرفی شده که از جمله کسانی است که در ته دوزخ در کنار قابیل، سامری و دجال قرار دارند (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۴۰۹/۳۰؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۸۱۲/۵).

با تدبّر و مطالعه مطالب فوق‌الذکر با محوریت آیه ۳۹ سوره عنکبوت می‌توان گفت که سرنوشت برخی از ستمگران قوم موسی (ع) همچون فرعون، قارون و هامان به سنت عذاب الهی گره خورده است؛ زیرا آنان علیرغم اتمام حجت از سمت پیامبر خدا (ص) بر ستمگری و گمراهی خویش اصرار می‌ورزیدند و پیامبر خدا را تکذیب می‌کردند، از این رو پس از اتمام حجت و مهلتی که بدان‌ها داده شد، به عذاب الهی دچار گردیدند و بیان سرنوشت این گروه در آیه ۳۹ سوره عنکبوت، این نقش مهم تربیتی را دربردارد که یادآوری و بازخوانی مکرر آن می‌تواند انسان را از حضور در جایگاه گناه و نافرمانی برهاند و با انداز وی، او را از راه ناصواب به راه هدایت گریز دهد.

ج. سنت نجات امت‌ها پس از امتحان و ابتلاء

از دیگر سنن تربیتی الهی که خداوند متعال در سوره عنکبوت بیان فرموده، سنت نجات امت‌هاست، این سنت الهی پس از امتحان اقوام و ملل مختلف، و سربلندی و استقامت آنها در مسیر امتحان و ابتلاء است که خداوند نیز به مدد سنت نجات، آنها را یاری می‌رساند و آنها را از عذاب می‌رهاند. در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره عنکبوت، خداوند متعال به قوم نوح (ع) می‌پردازد و سنت نجات الهی را در مورد قوم گروهی از قوم نوح که راه

هدایت را در پیش گرفتند بیان می‌فرماید. حضرت نوح اولین پیامبر اولوالعزم است (احزاب/۷؛ شوری/۱۳) که صاحب شریعت و کتاب است (ماتریدی، أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، ۱۴۱۰: ۳۵۹/۸؛ ثعلبی، الکشف والبیان، ۱۴۲۲: ۱۰/۸؛ طباطبائی، المیزان، ۱۴۱۷: ۲۷۸/۱۶؛ صادقی تهرانی، الفرقان، ۱۳۸۹: ۴۶/۲۴). بر طبق منابع تاریخی، حضرت نوح (ع) از نسل و ذریه آدم (ع) و از نوادگان ادریس نبی (ع) است (ابن کثیر، قصص الانبیاء، ۱۳۸۸: ۸۳؛ نجار، قصص الانبیاء، ۳۰: ۱۳۹۰؛ راوندی، قصص الانبیاء (ع)، ۱۳۸۸: ۱-۲۵۰-۲۵۱). طبق نقل برخی از مورخان، محل زندگی حضرت و قومش، بین‌النهرین بوده است (مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، ۱۴۰۹: ۱/۲۲۱). وجه تسمیه حضرت (ع) به نوح، به علت گریه و ناراحتی بسیاری است که در راه هدایت و نجات قومش می‌کشید (ابن بابویه، علل الشرایع، ۱۳۸۰: ۲۸/۱؛ راوندی، قصص الانبیاء (ع)، ۱۳۸۸: ۲۵۷-۲۵۶). حضرت (ع) چهار فرزند به نام‌های: حام، سام، کنعان و یافث داشتند که تنها کنعان به ایشان ایمان نیاورد و همراه با گروهی از قوم نوح که ایمان نیاوردند، هلاک گردید (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ۱۴۱۰: ۱/۲۵؛ مستوفی، تاریخ گزیده، ۱۳۹۴: ۲۶).

بسیاری از قوم حضرت نوح (ع) به پرستش بت مشغول بودند و از یکتاپرستی گریزان بودند (نوح / ۱-۵). و علی‌رغم دعوت سالیان متمادی حضرت (ع) به پرستش بت‌هایی همچون «ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر» می‌پرداختند. از دیگر خصوصیات منفی قوم نوح آن بود که قدرتمندان، حقوق ضعیفا را پایمال می‌کردند و ستمگران حکم خویش را در جامعه جاری می‌کردند (بلاذری، انساب الأشراف، ۱۴۱۷: ۱/۱۸۳؛ جزایری، النور المبین فی قصص الانبیاء و المرسلین، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۱۳).

خداوند متعال گروه بسیاری از قوم نوح (ع) را به علت استمرار در گناه و عدم اجابت دعوت پیامبر (ع) به سنت عذاب خویش فراگرفت؛ اما برخی از افراد قوم نوح (ع) در راه حق استقامت ورزیدند و خداوند نیز پس از امتحان آنان و غریب کردن صفوف آنان از صفوف مشرکان و گناهکاران، بر طبق سنت نجات الهی، ایشان را نجات داد، فلذا خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره عنکبوت شرح حال این گروه از قوم نوح (ع) را چنین بیان می‌فرماید:

«فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ» (العنکبوت/۱۵)؛ «ما او و سرنشینان کشتی را رهایی بخشیدیم، و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم!»

آیت‌الله مکارم‌شیرازی در بیان احوال قوم نوح (ع)، می‌نویسد: «سرنوشت ظالمین قوم نوح (ع) به عذاب بدان علت بود که ایشان حتی در هنگام طوفان به ظلم و ستم استمرار عمل داشتند و از طغیان رویگردان نبودند، و عبارت «وَهُمْ ظَالِمُونَ» در آیه ۱۴ سوره عنکبوت بر این مسئله دلالت دارد، و اگر اظهار توبه و ندامت می‌کردند، خداوند همچون گروه نجات یافته قوم نوح، آنان را نیز شامل سنت نجات می‌فرمود، ازاین‌رو خداوند نوح و اصحاب کشتی را نجات داد و سرنوشت آنان را به عنوان آیت و نشانه‌ای برای جهانیان بیان فرمود (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۶/۲۳۱).

تعمق و تدبر در آیه ۱۵ سوره عنکبوت و سنت نجات الهی این نتیجه را مستنبط است که خداوند متعال بعد



از اتمام حجت و روشن نمودن مسیر هدایت و از ضلالت، گروهی که بر طریق حق راه بیمایند، حتی اگر گروه اندکی باشند، مشمول سنت «نجات» الهی خواهند شد و خداوند پس از عبور آنان از مسیر امتحان و ابتلاء، ایشان را یاری کرده و نجات می‌دهد همانطور که در مورد قوم نوح، گروهی که برخلاف گروه طغیانگر، دعوت نوح (ع) را لیبیک گفتند را نجات داد. نکته مهم تربیتی این مسئله آن است که در کنار سنت قهریه، این سنت رحمانیه خداوند معرفی می‌شود که اگر گروهی راه ایمان و بر طریق حق ایستادن را انتخاب کنند، در دنیا نیز از گروه ظالمان و ستمگران تمیز داده می‌شوند و خداوند ظلم عبور آنان از مسیر ابتلاء و امتحان، با رشد و تعالی آنان را نجات می‌دهد تا ضمن امیدبخشی به گروه مؤمنین، مخاطبان جهانی قرآن نیز متوجه این امر گردند که خداوند در مسیر تربیت بشر تنها بر سنن قهریه اقدام نمی‌فرماید؛ بلکه مؤمنان و صالحان را در دنیا به راه رستگاری و نجات هدایت می‌فرماید و این سنت رحمانیه خداوند و ذکر و یادآوری آن در سوره عنکبوت همراه با بیان سرنوشت قوم نوح (ع)، موجب ترغیب، هدایت و دلگرمی بشر برای قرار گرفتن در طریق صواب و صبر بر شدائد و سختی‌ها می‌گردد و از این رو تحمل مصائب را بر بشر آسان ساخته و استعدادهای او را برای عبور از سختی‌ها و گرفتاری‌ها به فعلیت می‌رساند.

۴. نتیجه

نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که در سوره مبارکه عنکبوت، مجموعه‌ای از سنن قهریه و رحمانیه الهی که ریشه «تربیتی» دارند، بیان شده است که این مجموعه سنن ذکر شده در این سوره، نقش بسیار مهمی در تربیت بشر ایفا می‌کند. از جمله سنن الهی که در سوره عنکبوت بیان شده، سنت عذاب الهی برای اقوام ستمگر و طغیانگر، و سنت نجات امت‌ها پس از امتحان و ابتلاء است که خداوند کریم با بیان فرجام برخی از اقوام همچون قوم شعیب، قوم عاد و ثمود، قارون و فرعون و قوم نوح، به این دسته از سنت‌های الهی می‌پردازد و بیان می‌فرماید که اگر قومی همچون عاد و ثمود، و یا افرادی همچون قارون و فرعون بر ستمگری خویش پافشاری نمایند، و یا کم‌فروشی کنند و... اعمال آنان عذاب الهی را به دنبال دارد و خداوند متعال آنان را به سنت عذاب خویش فرامی‌گیرد و در مقابل اقوامی که در مقابل امتحانات و ابتلائات الهی صبر کند و راه تقوا پیشه کنند و در راه الهی مجاهدت کنند، مشمول سنت نجات و هدایت ویژه الهی می‌گردند. در نتیجه می‌توان گفت توجه به علل عذاب و نجات امت‌ها در سوره عنکبوت، می‌تواند الگوی بسیار ناب و دقیقی برای تربیت و تعالی جامعه اسلامی در عصر حاضر ارائه دهد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، مترجم: ذهنی تهرانی، محمدجواد، نشر مؤمنین، قم: ۱۳۸۰.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم: ۱۴۰۴.
۵. ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل، قصص الانبیاء، مطبعة دار التألیف، قاهره: ۱۳۸۸ ق.
۶. ابن مسکویه، احمد بن محمد، تهذیب الاخلاق فی التریبة، طلیعة النور، بیروت: ۱۴۲۶.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۸. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی و فارسی، نشر نی، تهران: چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۹. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، دارالکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۱۰. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه بعثه، قم: ۱۴۱۷.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زکلی، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۷.
۱۲. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف والبیان، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۲.
۱۳. جزیری، نعمت الله بن عبدالله، النور المبین فی قصص الانبیاء والمرسلین (قصص قرآن)، مترجم: مشایخ، فاطمه، نشر فرحان، تهران: چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم: ۱۳۸۸.
۱۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تحقیق و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، مؤسسه اسماعیلیان، قم: ۱۳۷۰.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت: ۱۴۱۲.
۱۷. راوندی، سعید بن هبة الله، قصص الانبیاء (ع)، نشر آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۸۸.
۱۸. زغلول سعد، عبدالحمید، فی تاریخ العرب قبل الاسلام، عالم التراث، بیروت: ۱۴۱۰.
۱۹. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، فی ضلال القرآن، دارالشروق، بیروت / قاهره: ۱۴۱۲ ق.
۲۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (ملاصدرا)، تفسیر القرآن الکریم، نشر بیدار، تهران: ۱۳۶۶.
۲۱. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیة قم، قم: ۱۴۱۷ ق.



۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت: ۱۴۰۶ق.
۲۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الأمم و الملوك)، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالتراث، بیروت: ۱۳۸۷ق.
۲۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران: چ سوم، ۱۴۱۶.
۲۵. فخررازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، داراحیا، التراث العربی، بیروت: چاپ ۳، ۱۴۲۰.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، نشر هجرت، قم: ۱۴۰۹ق.
۲۷. قرآنی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران: ۱۳۸۸.
۲۸. قطب، محمد، منهج التربية الإسلامية، دارالشروق، مصر: ۱۴۲۲.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، انتشارات مؤسسة دار الکتاب، قم: ۱۴۰۴.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دارالکتب الإسلامية، تهران: ۱۴۰۷.
۳۱. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۰.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳.
۳۳. مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، نشر امیرکبیر، تهران: ۱۳۹۴.
۳۴. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، دارالهجره، قم: ۱۴۰۹.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۶۸.
۳۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران: ۱۳۷۹.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۴ش.
۳۸. نجّار، عبدالوہّاب، قصص الانبیاء، نشر مدین، تهران: ۱۳۹۰.
۳۹. نجاشی، احمد بن علی بن عباس، رجال نجاشی، مؤسسة النشر اسلامی، قم: ۱۴۰۷ق.
۴۰. یاقوت حموی، شهاب‌الدین یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، دارصادر، بیروت: ۱۹۹۵م.
۴۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت: ۱۴۱۸.

References

١. The Holy Quran ،Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ٢٠٠٥.
٢. Alousi, Seyyed Mahmoud, Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azeem, Research: Ali Abdulbari Attiyah, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ١٤١٥ A.H.
٣. Azarnoush, Azartash, Contemporary Arabic and Persian Dictionary, Tehran: Ney Publishing House, ٣rd Edition, ٢٠١٣.
٤. Bahrani, Seyyed Hashim bin Suleiman, Al-Burhan fi Tafsir al-Quran, B'ʿthat Foundation, Qom: ١٤١٧.
٥. Balazari, Ahmad bin Yahya bin Jaber, Ansab al-Ashraf, Research: Sohail Zakkar and Riaz Zarkali, Beirut: Dar al-Fikr, ١٤١٧.
٦. Fakhr al-Din Razi, Abu Abdullah Mohammad bin Omar, Mufatih al-Ghaib, ٣rd Edition, Beirut: Dar Ihya, al-Tuhath al-Arabi, ١٤٢٠.
٧. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-Ain, Second Edition, Qom: Hijrat Publishing House, ١٤٠٩ A.H.
٨. Hawizi, Abd Ali bin Juma, Tafsir Noor al-Saqalain, Researched and Edited of Seyyed Hashim Rasouli Mahallati, Qom: Ismailian Institute, ١٩٩١.
٩. Ibn Babwayh, Mohammad bin Ali (Sheikh Sadouq), The Causes of Shari'ah, Translator: Zehni Tehrani, Mohammad Javad, Mominin Publishing House, Qom: ٢٠٠١.
١٠. Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris, Mu'jam Maqayis al-Laghah, Qom: Maktab al-I'lam al-Islami, ١٤٠٤.
١١. Ibn Kathir, Abu al-Fada Ismail, the Prophets' Stories, Dar al-Ta'lif Press, Cairo: ١٣٨٨ A.H.
١٢. Ibn Manzoor, Mohammad Ibn Mukarram, Lisan al-Arab, Dar al-Fikr, Beirut: ١٤١٤ A.H.
١٣. Ibn Maskawayh, Ahmad bin Mohammad, Tahzeeb al-Akhlaq fi al-Tarbiyah, Taliya'h al-Nur, Beirut: ١٤٢٦.
١٤. Ibn Sa'ad, Mohammad bin Saad bin Muni, Tabaqat al-Kubara, Researched by Mohammad Abd al-Qadir Atta, Beirut: Dar al-Kutb al-Ilmiyyah, ١٤١٠ A.H.
١٥. Javadi Amoli, Abdullah, Tafsir Tasnim, Esra Publishing Center, Qom: ٢٠٠٩.
١٦. Jazairi, Ne'matullah bin Abdullah, Al-Nur al-Mubin fi Qisas Al-Anbia wa al-Mursalin (Quranic Stories), Translated by Mashaikh, Fatemeh, Farhan Publishing House, Tehran: ٣rd Edition, ٢٠٠٧.
١٧. Kulayni, Mohammad bin Yaqub bin Ishaq, Al-Kafi, Tehran: Darul-Kutub al-Islamiyyah, ١٤٠٧.
١٨. Majlisi, Mohammad Baqir, Bihar al-Anwar, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ١٤٠٣.

۱۹. Makarem Shirazi, Naser et al., Tafsir al-Nemouneh (The Ideal Exegesis), Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۹۹۵.
۲۰. Masoudi, Abul Hassan Ali bin Al-Hussein bin Ali, Moruj al-Dhahab wa Ma'adin al-Jawhar, Qom: Dar al-Hijrah, ۱۴۰۹.
۲۱. Maturidi, Mohammad bin Mohammad, Ta'wilaat Ahl al-Sunnah (Tafsir al-Maturidi), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah Publishing House, Beirut: ۱۴۱۰.
۲۲. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, Society and History from the Perspective of the Quran, Tehran: Islamic Propaganda Organization, ۱۹۸۹.
۲۳. Mostofi, Hamdullah, Selected History, Amirkabir Publishing House, Tehran: ۲۰۱۵.
۲۴. Motahhari, Mortaza, Collection of Works of Martyr Motahhari, Tehran: Sadra Publishing House, ۲۰۰۰.
۲۵. Najjar, Abdul Wahhab, Prophets' Stories, Madin Publishing House, Tehran: ۲۰۱۱.
۲۶. Najjashi, Ahmad bin Ali bin Abbas, Rijal Najjashi, Islamic Publishing House, Qom: ۱۴۰۷ A.H.
۲۷. Qara'ati, Mohsen, Tafsir Noor, Tehran: Lessons from the Quran Cultural Center, ۲۰۰۹.
۲۸. Qomi, Ali bin Ibrahim, Tafsir Qomi, Dar al-Kitab Publications, Qom: ۱۴۰۴.
۲۹. Qutb, Mohammad, Manahaj al-Tarbiyah al-Islamiyyah, Dar al-Shoroq, Egypt: ۱۴۲۲.
۳۰. Raghīb Isfahani, Hossein bin Mohammad, The Words of the Quran, Beirut: Dar al-Qalam, ۱۴۱۲.
۳۱. Ravandi, Saeed bin Hibatullah, The Prophets' Stories, Astan Quds Razavi Publishing House, Mashhad: ۲۰۰۹.
۳۲. Sadr al-Din Shirazi, Mohammad bin Ibrahim, (Mulla Sadra), Tafsir al-Quran al-Karim, Bidar Publishing House, Tehran: ۱۹۸۷.
۳۳. Shazli, Seyyed bin Qutb bin Ibrahim, Fi Dhilal al-Quran, ۱۷th Edition, Beirut / Cairo: Dar al-Shoroq, ۱۴۱۲ A.H.
۳۴. Tabari, Abu Jafar Mohammad bin Jarir, Tarikh al-Tabari (History of Nations and Al-Muluk), Research: Mohammad Abulfazl Ibrahim, Beirut: Dar al-Tuhath, ۱۳۸۷.
۳۵. Tabarsi, Fazl bin Hassan, Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Beirut: Dar Al-Ma'rifah, ۱۴۰۶ A.H.
۳۶. Tabatabai, Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Association, ۱۴۱۷ A.H.
۳۷. Tha'alibi, Ahmad bin Mohammad, Al-Kashf wa al-Bayan, Ihya al-Turath al-Arabi Publishing House, Beirut: ۱۴۲۲.
۳۸. Tureihi, Fakhruddin, Majma' al-Baharain, ۳rd Edition, Tehran: Murtazavi Bookstore, ۱۴۱۶.

٣٩. Yaqoubi, Ahmad bin Abi Yaqoub, Tarikh Yaqoubi, Beirut: Dar Sadir, ١٤١٨.
٤٠. Yaqut Hamavi, Shahab al-Din Yaqut bin Abdullah, Mu'jam' al-Buldan, Beirut: Dar Sader, ١٩٩٥.
٤١. Zaghoul Sa'ad, Abdul Hamid, History of Arabs before Islam, Beirut: Alam al-Tuhath, ١٤١٠.